

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۳

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ / ۱۵ مه ۲۰۲۰

حقوق ما

حقوق کودکان کار



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده، علی اصغر فریدی (مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

حقوق کودکان کار

قانون حمایت از کودکان کار و خیابان، ناکافی و نارسا است

مراقبت قانونی از کودکان، زمینه ساز آزادی،
عدالت و صلح جهانی

حمایت قانونی از کودکان، جزء حقوق لاینفک
انسانی است

ایران باید در قبال کودکان کار خارجی، مسولیت پذیر باشد

صدچندان می‌نماید.

در معرض سوء استفاده جنسی قرار گرفتن، کار اجباری، برده‌داری، خرید و فروش کودک و وادار کردن آنان به کارهای غیرقانونی و کار کردن در محیط‌های ناسالم و نایمن از جمله مشکلات جدی است که این کودکان با آن مواجه‌اند.

گزارش سازمان‌های مدافع حقوق بشر

گزارش‌های متعدد داخلی و بین‌المللی از وضعیت نگران‌کننده کودکان کار در ایران تهیه شده است. براساس گزارش صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) حدود یازده درصد از کودکان ایرانی به نحوی مشغول کار غیرقانونی هستند.^۱ سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارشی^۲ به اشتغال و سوءاستفاده از کودکان کار در ایران اشاره می‌کند که عملاً مانعی در راه تحصیل آنها هم بوده است.

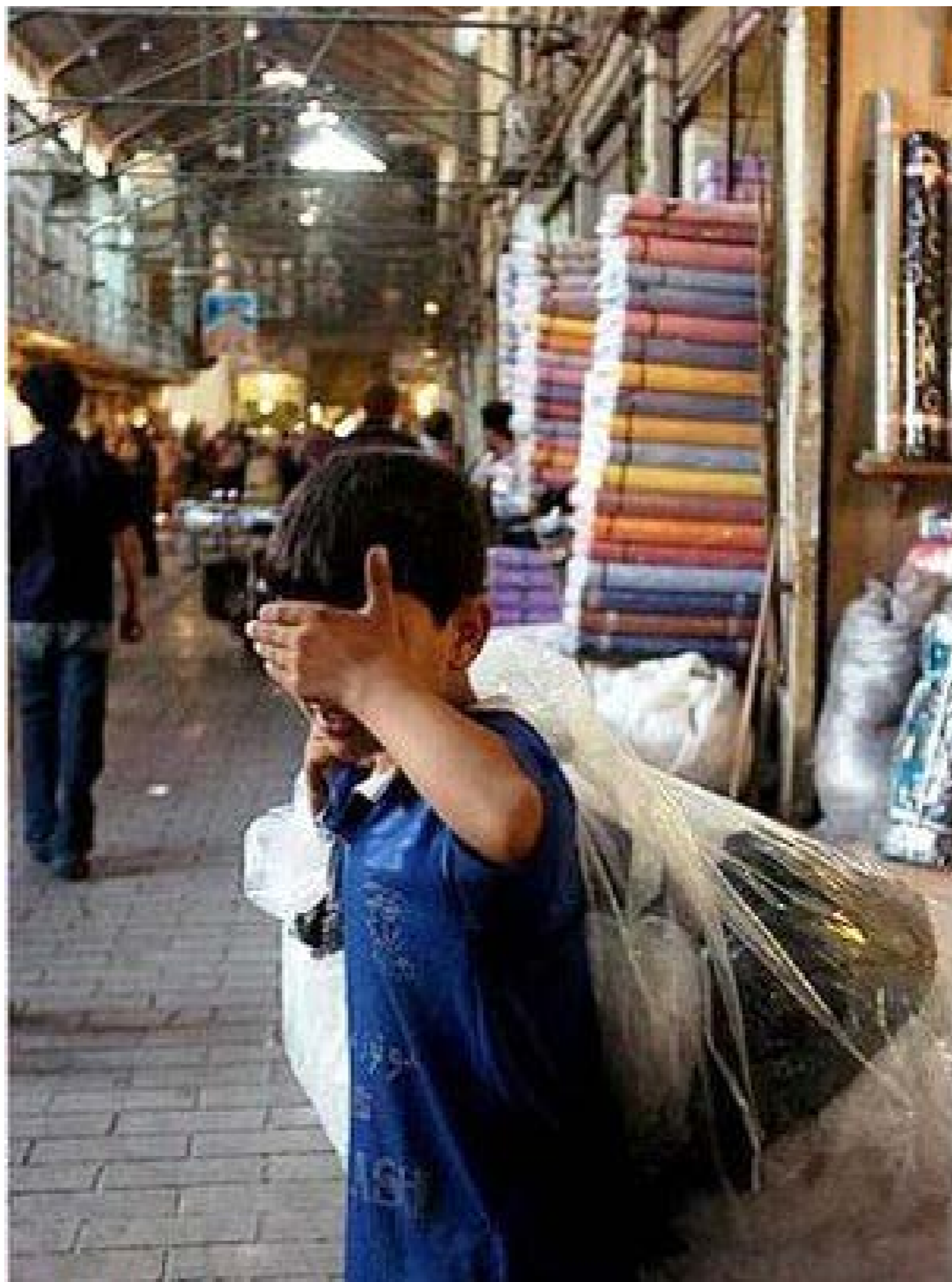
برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که ۳۲ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند. مطالعه‌ای در سال ۱۳۸۹ روی کودکان خیابانی در جنوب تهران، نشان داد که ۶۶ درصد آنها به بیماری‌های عفونت انگلی روده، ۱۰ درصد به عفونت‌های ادراری، ۹۶ درصد به پوسیدگی دندان‌ها و بیماری‌های لثه و ۲۴ درصد به عفونت پوستی مبتلا بوده‌اند. مصرف سیگار، مواد مخدر، رنج‌بردن از افسردگی و آسیب‌پذیری در برابر سوءاستفاده جنسی، از دیگر موارد ذکر شده در این گزارش است.^۳

دامنه این گزارش‌ها به سازمان‌های مدافع حقوق بشر محدود نبوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم در گزارشی^۴ از وجود دوازده میلیون حاشیه‌نشین در ایران سخن گفته که کودکان کار منبع اصلی معاش خانواده آنها هستند. این مساله باعث گسترش بیسوادی در سطح جامعه شده، به نحوی که حداقل ۱۱۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شده‌اند. بنابراین بر اساس گزارش‌های مختلف، موضوع کودکان کار در ایران به یک بحران جدی تبدیل شده است که انکار شدنی نیست و بسیاری از ایرانیان با آن دست به‌گریبان‌اند.

حقوق کودکان از منظر حقوق بین‌الملل

شاید بتوان مهمترین سند حقوقی بین‌المللی مربوط به حقوق

1. <https://en.radiofarda.com/a/poverty-at-the-root-of-iran-s-child-labor-problem/29621609.html>
2. <https://www.hrw.org/news/13/03/2015/iran-submission-committee-rights-child>
3. <https://www.dw.com/fa-ir/%DA%A%9D%88%9D%8AF%DA%A%9D%8A%7D86%9-%DA%A%9D%8A%7D%8B1-%D88%9-%D%8B%2D%86%9DA%AF-%D%8AE%D%8B%7D%8B1-%D%8A%7DB%8C%D%8AF%D%8B2/a-17344458>
4. <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1022914>



حقوق کودکان کار



احسان حسین‌زاده

کودکان کار

آمارهای غیررسمی شمار کودکان کار در ایران را چیزی حدود سه میلیون نفر ارزیابی می‌کنند.^۱ این عدد در سطح جهان به بیش از دویست میلیون نفر می‌رسد.^۲ کودکانی که برخلاف نیازهای دوران کودکی به جای تحصیل در مدارس، بازی، یادگیری و تفریح اغلب اوقات خود را در خیابان‌ها یا کارگاه‌های غیرقانونی به کار کردن می‌گذرانند.

هرچند که بر اساس اصول علمی و همینطور اسناد حقوقی بین‌المللی دوره‌های کوتاه‌مدت کارآموزی سبک به نحوی که آسیبی به آموزش و زندگی کودکان نزند منع نشده است، اما مفهوم کودک کار به کودکانی اطلاق می‌شود که کار کردن بخش اصلی زندگی روزمره آنها را تشکیل می‌دهد؛ به نحوی که اختلال اساسی در آموزش و تفریح کودکان ایجاد می‌شود و آنها از مقتضیات دوره کودکی دور می‌شوند.

متأسفانه صرف کار کردن و صرف مدت طولانی از روز در کارگاه‌ها، تنها مشکل کودکان کار نیست بلکه مشکلات دیگر جدی هم هست که آنها را تبدیل به قربانیان بی‌دفاع و بی‌صدایی می‌کند و ضرورت حمایت از این کودکان را برای هر نظام حقوقی

1. <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-48799191>
2. <https://www.forbes.com/sites/ewelinaochab/09/06/2019/children-shouldnt-work-on-fields-but-on-their-dreams/#2cd6c5221939>

عضو توصیه می‌کند که مقرراتی را در جهت ممنوعیت کار کودکان و در واقع افراد زیر هجده سال تصویب کنند. البته این دستورالعمل استثنائاتی هم برای کار کودکان بالای چهارده سال قائل است. بدین صورت که کودکان می‌توانند برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و هنری اشتغال به کار داشته باشند به شرطی که لطمه‌ای به روند آموزش اجباری آنها در مدرسه نزنند.

حقوق کودکان از منظر قوانین ایران

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

متاسفانه قوانین داخلی ایران در زمینه جرم‌انگاری بکارگیری کودکان همواره با ابهام سخن گفته است و هر چند از مقررات زیادی منع بکارگیری کودکان را می‌توان استنباط کرد اما فقدان صراحت قانونگذار در جرم‌انگاری آن همواره احساس شده است. بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کلیه اشخاص زیر هجده سال کودک محسوب و مشمول قانون مذکور قرار می‌گیرند و ماده سوم این قانون «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق» را ممنوع اعلام کرده است اما تناقض آشکاری در این ماده به چشم می‌خورد و آن اینکه قانونگذار صرفاً بکارگیری کودکان به منظور ارتکاب جرم را ممنوع اعلام کرده؛ حال آنکه بکارگماردن کودک در کلیه امور باید جرم‌انگاری می‌شد.

در ماده چهارم این قانون که یکی از اصلی‌ترین منابع قانونی مربوط به حقوق کودکان است، «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان» ممنوع و جرم‌انگاری شده است که امری صحیح است. اما بازم نبود صراحت از جانب قانونگذار در جرم‌انگاری بکارگیری کودکان احساس می‌شود. به نظر می‌رسد تا زمانی که این صراحت در جرم‌انگاری بکارگیری کودکان وجود نداشته باشد و مجازات‌های سنگینی برای خاطیان و سواستفاده‌کنندگان از کودکان در نظر گرفته نشود، از منظر حقوقی این قاعده ضمانت اجرای جدی در صحن اجتماع نخواهد داشت.

قانون کار

یکی از دیگر از منابع مهم ممنوعیت کار کودکان در حقوق داخلی ایران، قانون کار است که در بخش پنجم خود به شرایط کار نوجوانان «و نه کودکان» می‌پردازد؛ چراکه کار کودکان اساساً در حقوق ایران ممنوع است.

ماده ۷۹ این قانون به کارگماردن کودکان کمتر از پانزده سال را بطور کلی ممنوع اعلام کرده است. اما بر اساس این قانون نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توانند به استخدام کارفرمایان درآیند؛ البته آزمایش‌های پزشکی خاصی باید توسط سازمان تامین اجتماعی از این کارگران نوجوانان گرفته شود و در نهایت در صورت تایید، این کارگران نوجوان می‌توانند کار کنند.

همچنین پزشک در باره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است «در حدود امکانات خود» شغل کارگر را تغییر دهد. بر اساس ماده ۱۷۶ قانون کار در صورتی که کارفرمایی کودک زیر پانزده سالی را به کارگمارد، اگر کودکان استخدام شده تا ۱۰ نفر باشند، کارفرما به دوپست تا پانصد برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر محکوم خواهد شد. ایراد اساسی که به این مقرره وارد است اینکه اولاً بکارگماردن کودکان با مجازات سنگینی روبرو نیست و صرفاً جزای نقدی دارد درحالیکه قانونگذار باید با قاطعیت با این مساله برخورد می‌کرد. دوم اینکه بکارگماردن کودکان بین پانزده تا هجده سال تقریباً به اندازه نیم ساعت کمتر از مدت اشتغال روزانه کارگران بزرگسال، مجاز اعلام شده است که دقیقاً در تضاد با مساله آموزش کودکان است.

قانونگذار در این ماده از اصلی‌ترین وظیفه خود و جامعه در قبال کودکان کوتاهی کرده است و به جای اجباری کردن آموزش برای تمام کودکان تا سن هجده سال و اخذ دیپلم، اشتغال کودکان بالای پانزده سال را مجاز اعلام کرده است! امری که می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به روند آموزش کودکان وارد آورد.

سند ملی کار شایسته

این سند حقوقی از دیگر اسنادی است که در سطح ملی تصویب شده، هرچند که ضمانت اجرایی برابر با قانون ندارد اما در یکی از بندهای این سند، محو کار کودکان کار به ویژه بدترین اشکال کار کودک از قبیل استثمار کودکان، کار اجباری و قاچاق انسان که به سلامتی جسمی و روحی آنها آسیب زده و با از بین بردن فرصت‌های آموزش و یادگیری، چشم‌انداز زندگی آینده آنها را از میان می‌برد، ممنوع اعلام شده است. هرچند وجود چنین اسنادی تاکید دوباره و مفیدی در راستای حقوق کودکان کار است اما کافی نیست.

طرح‌ها و آیین‌نامه‌های ساماندهی کودکان کار

طرح‌ها و آیین‌نامه‌های مختلفی برای ساماندهی کودکان کار

به تصویب هیات وزیران یا ادارات مختلف رسیده است اما متاسفانه هنوز آمارهای رسمی از وجود ششصد هزار و آمارهای غیررسمی از وجود سه میلیون کودک کار خبر می‌دهد. در یکی از گزارش‌هایی^۱ که تهیه شده به وضعیت عملی طرح‌های ساماندهی اشاره شده است که برخلاف متن آراسته و شیک این آیین‌نامه‌ها، آنچه در عمل مشاهده شده، یک فاجعه به تمام معنا و ناقص حقوق کودک است. در این گزارش به مرکز «یاسر» در محله شوش تهران اشاره شده که با اجرایی شدن طرح ساماندهی کودکان کار پر از کودکان ایرانی و مهاجری است که به علت فقر مجبور هستند روزها و شب‌ها را در خوابگاه‌هایی بگذرانند. طبق این گزارش، در محلی که برای ۳۵ نفر ظرفیت دارد بیش از ۱۵۰ کودک کار نگهداری می‌شده است. اغلب این کودکان بین ۱۲ تا ۱۸ سال بوده‌اند. کودکانی که جرمشان فقر، گرسنگی و مرگ یا سواستفاده سرپرست آنها بوده است و این طرح‌های ساماندهی هم مشکلی از آنها را حل نکرده است.

سخن پایانی

کودکان جزو اقشار آسیب‌پذیری هستند که قانونگذار در کشورهای مختلف، سخت‌ترین ضمانت اجراها را برای جلوگیری از بکارگماردن آنها که معمولاً با ترک تحصیل همراه است، وضع کرده است.

متاسفانه قوانین ایران در زمینه اشتغال کودکان از صراحت و بازدارندگی کافی برخوردار نیست و نیاز است که قانونگذار با جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات‌های شدید، ریسک سوءاستفاده از کودکان را برای بزهکاران بالا ببرد. اما پیش‌بینی مجازات قطعاً برای از بین بردن کار کودکان کافی نیست که تخصیص بودجه کافی، تمرکز و همکاری بین دستگاه‌های متولی و مهم‌تر از همه پیش‌بینی حمایت‌های اجتماعی لازم برای کودکان کار آسیب‌دیده از اهمیت بالایی برخوردار است.

اگر پلیس برخورد قاطعی هنگام مشاهده کودکان کار نداشته باشد، اگر بودجه کافی برای ساخت مراکز نگهداری مناسب و سالم و استخدام مددکاران اجتماعی به اندازه مورد نیاز تخصیص داده نشود و در نهایت، اگر قانونگذار با شدت با والدینی که کودکان خود را به جای مدرسه به کارگاه یا کنار خیابان برای کار می‌فرستند و سودجویانی که کودکان را برای بیگاری خرید و فروش می‌کنند برخورد نکند؛ در نهایت بحران کودکان کار حل نخواهد شد و این چرخه معیوب نسل اندر نسل ادامه خواهد یافت.

۱. <https://www.ilna.news/-/طرح-ساماندهی-کودکان-کار/>

مطالعه‌یاب-پیمان-نامه-جهانی-حقوق-کودک-است-تلخی-روزگار-کودکان-قربانی-فقر

کودکان را که مقررات جدی در زمینه کار کودکان دارد، کنوانسیون حقوق کودک دانست.

این کنوانسیون که کشور ایران هم جزو متعاهدین آن است، در ماده ۳۲ خود اشاره می‌کند: «کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هر گونه کاری که زیان‌بار بوده یا توقیفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی وی مضر باشد را به رسمیت می‌شناسند». در ادامه کشورهای طرف این کنوانسیون ملزم شده‌اند تا با تصویب مقرراتی در مورد حداقل سن برای انجام کار و همچنین مقرراتی در مورد ساعت و شرایط کار، از هر نوع آسیب روحی و جسمی به کودک جلوگیری کنند و شرایط را برای ادامه آموزش کودکان در مدارس فراهم کنند.

کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک^۱ از دیگر اسناد بین‌المللی است که ایران هم عضو متعاهد آن است. در این سند کارهای خطرناکی که کودکان را در معرض سوء استفاده جسمانی، روانی یا جنسی قرار می‌دهد؛ یا کار در زیرزمین، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته، همچنین کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک، یا کاری که متضمن جابجایی یا حمل بارهای سنگین با دست است، ممنوع اعلام شده و نیز کودکان از کار در محیط‌های ناسالم یا کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب منع شده‌اند.

کنوانسیون حداقل سن کار^۲ نیز که متاسفانه ایران تا کنون آن را به تصویب حقوق داخلی خود نرسانده، الزاماتی در مورد بالا بردن سن کار برای کودکان دارد تا آنها بتوانند روند آموزش و مراحل رشد خود را به صورت کامل به پایان رسانند. این کنوانسیون حداقل سن کار برای کودکان را پانزده سال دانسته است که به هیچ وجه نمی‌توان پایین تر از آن سن، کودکان را به کار گماشت. لازم به ذکر است که هرچند کودکان زیر پانزده سال نمی‌توانند به کار گماشته شوند، اما کارهای سبک یا کارآموزی برای کودکان سیزده تا پانزده سال بر اساس این کنوانسیون مجاز اعلام شده است.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز به عنوان کشورهای پیشرفته در زمینه حقوقی مقرراتی را برای حمایت از کودکان کار دارند. برای نمونه دستورالعمل شماره ۹۴/۳۳ اتحادیه اروپا^۳ هم به کشورهای

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93652>

2. https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO::P12100_IL0_CODE:C138

3. <https://ec.europa.eu/social/main.jsp?catId=706&langId=en&intPageId=209>

چه فردی کودک کار گفته می‌شود؟

این نوعی دوگانگی در سیاست‌گذاری در حقوق و سرنوشت کودکان است، به نحوی که قانون‌گذار ما، راجع به امور مالی مدنی کودک، مفهوم رشد حقوقی و رسیدن به سن ۱۸ سال را به مانند یک ضرورت تلقی می‌کند اما راجع به حقوق کار و استخدام کودکان و مسائل مهمی چون ازدواج و یا سن مسئولیت کیفری آنها که همگی با نظم و آسایش روانی جامعه و سرنوشت کودک ارتباط پیدا می‌کند، سن بلوغ شرعی یعنی همان ۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران را ملاک عمل قرار داده است!

سن کار کودک در قانون کار همان ۱۵ سال است به نحوی که در ماده ۹۷ بکار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال، در همه‌ی مشاغل ممنوع اعلام شده اما در ماده ۸۰ به کارگر نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال با کسب نظر از سازمان تأمین اجتماعی رسمیت و اعتبار بخشیده است. در این ماده تفاوت میان

کارهای سخت و زیان‌آور و مضر به حال کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله با کارهای ساده و غیر مشقت‌بار، تمایز اساسی و مهمی برای تشخیص کودک کار نیست. بایستی اصل ممنوعیت کار افراد زیر ۱۸ سال به تبعیت از اسناد بین‌المللی به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شود. به تفسیر کمیته حقوق کودک از مواد ۱ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، سن مسئولیت کیفری افراد ۱۸ سال است.

در تعریف کودک کار نیز از روی اسناد حقوق بشری می‌توان گفت، هر نوع کاری‌ست که به لحاظ روانی، جسمی، اخلاقی یا اجتماعی، به حال کودکان خطرناک و آسیب‌زا باشد و یا مزاحم تحصیل آنها شود و به محروم‌سازی از مدرسه یا ترک تحصیل و حتی گذران درس ضمن کار گردد. به طور کلی هر نوع کاری که مانع افزایش مهارت‌ها و کسب دانش و یا آسیب به سلامت جسمی و روانی کودک شود، ممنوع است. پس کودک کار به کودکی گفته می‌شود که مشغول یکی از



در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، همه‌ی افراد کشور، منجمله کودکان در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن تحت حمایت قرار گرفته‌اند



علی‌اصغر فریدی

در ماده ۲۶ پیمان جهانی کودک، آمده است که هر کودکی حق دارد از امنیت اجتماعی، از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود. همچنین در ماده ۲۷ این پیمان‌نامه تأکید شده که کودکان باید از سطح زندگی که تأمین کننده رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی آنهاست، برخوردار شوند.

پدیده کودکان کار و سوءاستفاده از این کودکان در ایران، مسأله‌ای غیرقابل انکار است. کودکانی که به دلیل کار طاقت‌فرسا در کوره‌های آجرپزی هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی و روانی به شدت آسیب‌پذیر شده‌اند، کودکانی که در معابر و چهار راه‌های شهرهای بزرگ به فال فروشی و تکدی‌گری مشغول هستند، مصداق نقض کامل پیمان‌نامه حقوق کودک است که دولت ایران باید به آن پایبند باشد. از ابتدای رسانه‌ای شدن پدیده کودکان کار در ایران تا کنون،

دولت‌های مختلف به جای ایجاد حق هویت برای کودکان، صدور کارت شناسایی و اجازه تحصیل در مدارس، که بخشی از تعهدات ایران در مقابل کودکان کار است، جز اتخاذ سیاست‌های نافرجام ضربتی و برخورد قهری، اقدام دیگری نکرده‌اند.

برای بررسی وضعیت کودکان کار در ایران، سازمان حقوق بشر ایران با مصطفی احمدیان، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری، مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح این مصاحبه به شرح زیر است.

با توجه به اینکه سن قانونی در ایران در برخی موارد مثل اخذ گواهینامه ۱۸ سال، اما سن مسئولیت کیفری در موارد دیگر برای پسران ۱۵ و برای دختران ۹ سال تمام قمری است تعریف سن کار کودک چه می‌شود؟ به

پی داشته باشد و از حبس خبری نیست! چرا که در خصوص حبس موضوع به اختیار قاضی محول شده، هر چند میزان حبس مندرج در ماده نیز کمتر از آن است که مصداق حمایت از سلامت، حقوق و رشد کودک تلقی گردد.

در این میان کودکان کار و خیابان شایسته توجه به مراتب افزون‌تری هستند چرا که وضعیت بسیار هولناکی را پشت سر می‌گذارند و دچار اشکال متنوعی از بیماری‌های روانی و ترومای رشدی می‌باشند. اکثر آن‌ها از درس و تحصیل بازمانده و دچار بحران‌های هویتی مزمن و شدید شده و به واسطه‌ی قرار گرفتن در شرایط مهیب و مکان‌های ترسناک، از بازی و اقتضات سن کودکی و محیط امن خانه و خانواده محروم هستند. گاهی در برخی موارد کودکان مورد سوء استفاده‌های مکرر جنسی در محیط‌های خشن قرار می‌گیرند. انواع ستم‌کشی و بهره‌کشی شغلی و اقتصادی و گاهاً توأم با تن‌فروشی و قرار گرفتن کودکان در معرض اعتیاد و الکل نیز بارها در جامعه گزارش شده است.

در خصوص کودکان کار و خیابان و پیشگیری از وقوع مشکلات اینچنین، قوانین داخلی در خیلی از زمینه‌ها یا اساساً وضع نشده و یا بسیار ناکافی و نارسا بوده و تنها ناظر بر بخش روتین و سطحی قضیه است و هرگز پاسخگوی رفع مشکلات عدیده گیربان‌گیر سلامت و رشد روحی و جسمی کودکان نمی‌باشد. مثلاً شرایط حمایتی مندرج در قانون کار در فصل مجازات‌ها بشرح مواد ۱۷۱ به بعد، شامل خیل انبوهی از کودکان مشغول در خیابان‌ها که عموماً بی‌سرپرست و یا بدسرپرست و یا فاقد کارفرمای خاص هستند نمی‌شود و این قانون تنها کارگران رسمی شناخته شده در پرتو قانون کار را تحت پوشش قرار می‌دهد.

در خصوص ضمانت اجرای حمایتی این دسته از کارگران رسمی نیز مثلاً ماده ۱۷۲ قانون کار راجع به کار اجباری و یا ماده ۵۷۱ که ضمانت اجرای تخلف از ماده ۸۰ و سپردن کارهای سخت و زیان‌آور به کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله را بیان کرده و یا مفاد ماده ۱۷۶ که تخلف از ماده ۷۹ و به کار گماشتن افراد زیر ۱۵ سال است، گرچه مجازات‌های خوبی وضع شده، اما مکانیزم حمایتی بیشتری را روشن ننموده است. شرایط تحمیل شده‌ی اجباری از سوی کارفرما و قراردادهای یک طرفه‌ی منعقد شده با کودکان در غالب موارد امکان پیگیری



زانی نبوده و از ارث محروم می‌گردند، آشکارا مخالف ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک در ممنوعیت هر نوع تبعیض در بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی کودکان است. همچنین اجازه ازدواج فرزند خوانده با سرپرست به تجویز دادگاه در تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۹۲ که آشکارا مخالف ماده ۲۰ کنوانسیون موصوف و نیز موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر است و یا مجازات کودک آزاری در ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ مجلس شورای اسلامی که تنها ۶ ماه حبس، یا بدل از یک میلیون جریمه ذکر شده است و هرگز کافی نمی‌باشد و نشان از عدم تعهد دولت به حمایت کافی از کودکان و نوجوانان دارد.

گرچه در ماده یک این قانون ذکر شده کلیه افراد زیر ۱۸ سال از حمایت قانونی بهره‌مند و برخوردار می‌شوند اما این حمایت در ماده ۴ چندان ملموس نیست و فرض آزار رسانی جسمی و جنسی به کودک البته در غیر موارد زنا یا تجاوز می‌تواند برای متهم صرفاً جزای نقدی تا یک میلیون تومان و دیه در

سازمان ملل متحد بر آن را نیز پذیرفته و دولت نیز مفاد کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری در مورد شرکت کودکان در جنگ و نیز مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان را نیز پذیرفته و امضاء نموده است. همچنین فهرست کارهای مضر و زیان‌آور نیز به تشخیص وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی و با همکاری چند وزارتخانه ذیربط مثل وزارت بهداشت-درمان مورد تصویب و شناسایی قرار گرفته است.

به طور کلی انطباق قوانین داخلی با اسناد بین‌المللی در خیلی از زمینه‌ها در خصوص کودکان، بسیار ضعیف است. ابتدا واجب است به مواردی غیر از شرایط کار کودکان اشاره شود، مثلاً مواد مختلفی از قوانین کیفری در تعارض جدی با حقوق کودک و اسناد بین‌المللی مربوطه به آن قرار دارد که می‌توان به مواد ۸۸، ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که افراد ۱۵ تا ۱۸ سال دارای مسئولیت کیفری فرض شده‌اند. این مواد مخالف فرض کلی عدم مسئولیت اشخاص زیر ۱۸ سال، در اسناد بین‌المللی است. یا مواد ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸ قانون مدنی، که برابر مفاد آن کودکان حاصل از زنا ملحق به

فعالیت‌های زیان‌آور به حال سلامتی، حقوق و اخلاق یا شرایط زیست روانی اجتماعی وی گردد.

بر مبنای ترسیم قاعده در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و نیز مصوبات سازمان‌های بین‌المللی نظارت بر کار کودکان، می‌توان حتی از این هم فراتر رفت و آن را هر نوع کاری که با هر یک از حقوق اساسی و بنیادین کودک از قبیل، حق حیات، حق تفریح و شادی، حق تحصیل، حق رفاه، حق آزادی بیان و ... در تعارض قرار گیرد و منجر به زایل شدن این حقوق گردد، تلقی کرد.

در ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی ایران آن را پذیرفته، آمده که کودک باید در برابر هر کاری که سلامت و رشد او را تهدید می‌کند حمایت شود و کشورهای باید در این راستا قوانینی را تصویب کنند؟ آیا در قوانین داخلی ایران، این موضوع لحاظ شده است؟

راجع به پذیرش این سند و نیز دو پروتکل اختیاری بسیار مهم بعدی آن توضیح لازم است که روال معمول پذیرش اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق اساسی بشر، از سوی برخی دولت‌ها و نیز کشور ایران همواره با اعمال حق تحفظ (حق شرط) همراه بوده به این معنی که پذیرش نهایی آن اسناد موقوف به عدم تنافی و تعارض آن با قوانین داخلی می‌شود.

راجع به کنوانسیون حقوق کودک نیز صراحت ماده واحده اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که این اجازه مشروط به آن گردیده که ” اگر در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.“ این جای نقد بسیار دارد و زمینه‌ی سوءاستفاده از حق‌های بشری و گریز از اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشری را باز می‌گذارد.

با وجود حق شرط موصوف، پذیرش این سند مهم در سال ۷۲ توسط ایران به تحولات دیگری نیز منجر شده، به نحوی که مجلس شورای اسلامی اجازه الحاق دولت ایران به یک کنوانسیون مهم دیگر موسوم به ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و نیز دو توصیه نامه مکمل

و دادخواهی و حمایت کافی از کودکان را سلب می‌کند. امروزه سیاست‌های پولی‌سازی نظام آموزش و پرورش در تقابل آشکار با حق تحصیل قرار دارد. لذا چه در خصوص کودکان کار و چه غیر آن در پرتو قانون کار و یا در ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، صرف تعیین مجازات برای ممانعت از تحصیل کودکان کافی نمی‌باشد و به لحاظ نقص و ضعف خاص کودکان، اقدام حمایت بایستی تمامی سطوح و منابع مالی حمایتی را در بر گیرد.

در ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک آمده است که هر کودک حق دارد از تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود، آیا تمامی کودکان ایران، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی هستند؟

در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، همه‌ی افراد کشور، منجمله کودکان در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن تحت حمایت قرار گرفته‌اند و نظام تأمین اجتماعی در این موارد شامل سه سطح خدمات بیمه‌ای، خدمات توانبخشی و خدمات امدادی است. به علاوه در قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست نیز، اقدامات حمایتی خوبی از کودکان تصریح شده است، گرچه ضوابط و مقررات خاصی برای بهره‌مندی از خدمات تأمین اجتماعی آنها لحاظ شده است که از جمله‌ی موارد، فرض عدم بهره‌مندی کودکان از مستمری بازنشستگی و یا شرط عدم تمکن مالی و یا شرط لزوم ادامه تحصیل جهت بهره‌مندی از برخی حمایت‌ها ذکر شده است.

شرط اصلی بهره‌مندی کودکان از تأمین اجتماعی این است که یا بایستی تحت سرپرستی ولی قانونی باشند یا از سوی سازمان‌های مردم نهاد شناسایی و معرفی شده باشند. اما مشکل، جمعیت سیاه کودکانی است که در چرخه‌ای معیوب و غیررسمی، بدون آنکه تحت سرپرستی ولی قانونی و یا بهزیستی باشند و یا از سوی نهادهای مردم نهاد شناسایی و معرفی شده باشند، از سوی صاحبان صنایع و کارخانه‌ها مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

همچنین کودکانی که از سوی ولی قانونی و یا افراد دیگر به اجبار و خشونت به کارهای سخت و مشقت‌بار و یا امور غیرقانونی، مثل فروش مواد مخدر و تن فروشی، تکدی‌گری و

تحت شرایطی بسیار آسیب‌زا قرار می‌گیرند یا کودکان مهاجر و پناهنده‌ای که شرط ممنوعیت کار افراد زیر ۱۵ سال موضوع ماده ۷۹ در مورد آنها رعایت نشده است و یا کودکان پناهنده ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ای که شرایط اقامت نداشته و ولی آنها یا خودشان دفترچه اقامت تحصیل نکرده و شرایط اعمال مواد ۸۰ و ۱۷۵ قانون کار و بخشنامه‌های وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت، در خصوص منع کارهای سخت و زیان‌آور نیز در خصوص آنها رعایت نمی‌شود. در غالب این موارد با شرایط تحمیلی و اجباری از سوی کارفرما، کودکان از بیمه‌ها و تأمین اجتماعی نیز محروم می‌گردند.

برخی رسانه‌ها و منابع دولتی، در رابطه با کودکان کار و بویژه کودکانی که در چهارراه‌ها و کلانشهرها، مشغول فروختن گل و یا فال و گدایی هستند، معتقدند که بیشتر آنها غیرایرانی هستند و از کشورهای همسایه آمده‌اند، آیا به فرض غیرایرانی بودن کودکان، دولت در قبال این کودکان چه مسئولیتی دارد؟

به سبب نبود متولی ملی راجع به کودکان پناهجو و آواره، نمی‌توان راجع به میزان آمار به درستی نظر داد. برخی آمارها از رشد ۶۰ درصدی جمعیت مهاجرین و کودکان پناهنده و آواره در کشور خبر می‌دهد که این یک زنگ خطر جدی برای کشور از حیث وضعیت حقوق این افراد است.

چهارچوب تعهد دولت‌ها در خصوص این افراد، مطابق اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک کاملاً روشن است. در خصوص پناهندگان که به علت ترس موجه به دلایل نژادی، مذهبی، ملیت و یا عقاید خاص سیاسی مجبور به ترک وطن شده‌اند کنوانسیون حمایت از پناهندگان و پروتکل الحاقی به آن از سوی سازمان ملل تصویب شده و چون ایران نیز در سال ۷۲ آنرا پذیرفته، مکلف به عمل مطابق اصول و مقررات آن می‌باشد و بایستی قوانین داخلی خود را بر این اساس منطبق نماید.

بر اساس قوانین داخلی اخذ پناهندگی، طبق رسم کلیه کشورها منوط به بررسی و قبول درخواست و در چهارچوب اسناد معاهده‌ای متقابل است و در صورت موجه بودن درخواست و اخذ دفترچه اقامت که به منزله هویت رسمی فرد پناهجو است، دارنده حقوق شناخته شده‌ای از قبیل حقوق اجتماعی،

فرهنگی، بهداشتی، اشتغال، داشتن مسکن آزادانه، منع اجبار بازگشت به کشور مبداء می‌گردد. ولی مادام که فرد درخواست پناهندگی نکرده و یا پناهندگی وی غیرموجه تشخیص داده و رد شود، از نظر قوانین داخلی، مرتکب جرم عبور غیرقانونی از مرز شده است و مکلف به ترک خاک کشور به تشخیص محاکم ایران است و دولت هیچ تعهدی در قبال چنین فردی و شرایط کار وی قائل نیست.

در خصوص کودکان پناهجو به سبب اینکه قشر ضعیف و بسیار آسیب‌پذیرند، موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است. تعهد دولت‌ها در این خصوص در ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک، شامل کمک‌های انسانی در جهت اعمال همه‌ی حق‌های پذیرفته شده مندرج در کنوانسیون و سایر اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی و حمایت همه جانبه از حقوق اساسی کودکان می‌باشد، چه آنکه کودک تنها باشد یا با والد خود و یا با دیگری همراه باشد. در این ماده تأکید بر ایجاد همبستگی و پیوستن مجدد اعضای خانواده و یافتن والدین یا اعضای فامیل در کشور میزبان شده است و سازمان‌های منطقه‌ای و یا ملی بسیاری نیز مسئول حمایت از چنین کودکانی می‌باشند و در ایران نیز برخی گروه‌های حامی رسمی در این زمینه فعالیت دارند.

کنوانسیون حمایت از پناهندگی و به خصوص مصوبات کمیساریای عالی پناهندگان، راجع به کودکان و آوارگان، تفاوتی میان اسناد معاهده‌ای و غیر معاهده‌ای قائل نبوده و تعریف موسع‌تری را در نظر گرفته است. کشورها در همه‌ی موارد بایستی رعایت جنبه‌ی اجتماعی و بشردوستانه قضیه را را بنمایند. دامنه‌ی شمول پناهندگی در اسناد بین‌المللی، وسیع‌تر از حدود قوانین داخلی بوده و بسته‌های حمایتی وسیع‌تری نیز در خصوص آنها از جهت ابعاد بین‌المللی لحاظ می‌شود؛ به نحوی تحت حمایت موسسات خصوصی و نهادهای بین‌المللی و یا کشورهای دیگر در شرایط آسیب‌زا قرار می‌گیرند.

طرح همبستگی بسیاری از کشورها با مردم افغانستان در ایران و جهان از این موارد است که به لحاظ گستره‌ی وسیع آسیب ناشی از جنگ به آوارگان و پناهجویان افغانستانی، به آنها اعطاء می‌شد و دفاتر نمایندگی برخی کشورها در ایران نیز به کودکان پناهنده و یا افراد پناهجو بسته‌های حمایتی

اعطاء می‌کنند.

در این خصوص به تصریح بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ کنوانسیون مربوط به پناهندگان، دولت مکلف به پذیرش رژیم حقوقی پیشنهادی کنوانسیون، منجمله معافیت از قوانین مربوط به اقدام متقابل و لغو آن پس از سه سال سکونت فرد در کشور میزبان شده است. لذا امکان استناد به اسناد معاهده‌ای متقابل در خصوص کودکان پذیرفته نیست و دولت در تمامی موارد بایستی اقدامات حمایتی همه جانبه را در خصوص این افراد لحاظ کند.

قوانین داخلی در این زمینه گاه ناقص، نارسا و مواجه با اهداف سیاسی است و برخی حق‌های بشری مندرج در اسناد بین‌المللی و مصوبات کمیساریای عالی پناهندگی نادیده گرفته شده و به اقدام متقابل موقوف شده است. همچنین در برخی مراکز نگهداری کودکان آواره و پناهنده مواردی از نقض فاحش حقوق کودکان گزارش شده است که نیازمند اقدام حمایتی و نظارتی عاجل از سوی دولت است.

در خصوص کودکان، وضع به غایت پیچیده‌تر و بحرانی‌تر است و حضور کودک فاقد ولی قانونی و فاقد حامی در یک کشور خارجی، عموماً به بهره‌کشی از این کودکان منجر می‌شود.

در خصوص پرسش شما مهم‌ترین و ضروری‌ترین تعهد دولت‌ها محو بدترین اشکال کار کودکان و مواردی به شرح زیر است: الف) لغو کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بهره‌کشی از کودکان به علت بدهی، بهره‌کشی رعیتی و کار با زور یا اجباری و استخدام اجباری کودکان در جنگ‌های مسلحانه

ب) منع استفاده و فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولیدات محصولات و یا اجراهای پورنوگرافیک پ) ممنوعیت استفاده، فراهم کردن و یا عرضه کودکان برای فعالیت‌های غیرقانونی مانند تولید، توزیع، حمل و فروش و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده است

ت) ممنوعیت هر نوع شغل و کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات و حقوق کودکان ضرر داشته باشد.

مراقبت قانونی از کودکان، زمینه‌ساز آزادی، عدالت و صلح جهانی

مجله «حقوق ما» درباره پدیده کودکان کار و حقوق آن‌ها، با مزدک اعتمادزاده، وکیل و حقوق‌دان، گفت‌وگو کرده است.

با توجه به تعدد نظر مقنن در خصوص سن کودک در حقوق ایران، آیا تعریف مشخصی از سن کار کودک وجود دارد؟ به چه فردی کودک کار می‌گوییم؟

در حقوق ایران قانون‌گذار به فراخور موضوع مورد حکم، سنین متفاوتی را برای احراز سن کودکی در نظر گرفته است. من جمله اینکه وقتی صحبت از قدرت اداره امور مالی فرد است، طبق ماده واحده قانون رشد متعاملین، افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب شده‌اند. در مقابل طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ازدواج دختر زیر ۱۳ سال و پسر زیر ۱۵ سال تعیین شده است. همچنین در خصوص استیفا حق تعیین سرنوشت قانونگذار در بند ۲ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سن انتخاب‌کنندگان را ۱۸ سال تمام ذکر کرده است، همان‌طور که سن قانونی برای دریافت گواهینامه سال ۱۸ است.

بنابراین در حقوق ایران رشد یک مفهومی نسبی دارد نه مطلق، و از طرفی قانون‌گذار بین تکالیف شرعی و مسئولیت‌های مدنی و کیفری تفکیک قائل شده است. اما طبق آنچه از حقوق ایران برشمرده شد، قدر متقین دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال کودک محسوب می‌شوند و حداقل سنی که قانون‌گذار در حقوق ایران برای کودکان در نظر گرفته ۱۸ سال است.

در بعد بین‌المللی نیز در برخی اسناد بین‌المللی به سن افراد

جامعه و کشور را مورد توجه قرار داد.

میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نیز در ماده ۱۰ به موضوع اشتغال کودکان کار اشاره دارد. همچنین اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک با تفصیل بیشتری به حقوق کودک پرداخته بود اما به جهت الزام‌آور نبودن اعلامیه‌ها و مجمل بودن میثاق بین‌المللی، در پوشش تمامی ابعاد مورد نیاز در حمایت از حقوق کودک به مفاد کنوانسیون حقوق کودک ارجاع داده شده است. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ با حق شرط به آن ملحق شده است افراد انسانی زیر ۱۸ سال را کودک شناخته است.

در خصوص تعیین سن کار کودک علاوه بر تعریف کودک در قانون ایران و اسناد بین‌المللی که بالاتر بدان پرداخته شد، لازم است مفهوم نیروی کار نیز در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد.

طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است، به عبارتی قانونگذار طبق این مقررره کودکان کار را افراد زیر ۱۵ سال در نظر گرفته است. با این حال ماده

طبق قواعد حقوق بین‌الملل و نیز مطابق قواعد حقوق داخلی اشتغال کودکان زیر ۱۳ سال به هر نحو ممنوع است. به کارگیری کودکان ۱۳ تا ۱۵ سال در کارهای سبک بلاشکال است. با این حال شرط اشتغال به مشاغلی که ماهیت مخاطره‌آمیز برای سلامت و اخلاق دارند رسیدن به سن ۱۸ سال است. در نهایت برای پاسخ به این پرسش که واژه کودک کار به چه فردی اطلاق می‌شود ضمن مراجعه به اسناد بین‌المللی خصوصاً تعریفی که سازمان بین‌المللی کار ارائه کرده است، ملاحظه می‌شود که دو مولفه برای نمایندگان دولت‌ها بسیار حائز اهمیت بوده است. از منظر سازمان بین‌المللی کار، کار کودک فعالیت است که برای کودک خطر داشته و بر حق تحصیل کودک تاثیر گذار باشد. این خطر می‌تواند ذهنی یا جسمی باشد. زبان‌های اخلاقی و اجتماعی بر کودک نیز از دید این سازمان بین‌المللی مغفول نمانده است.

ویژگی دیگر کار کودک مربوط به حق تحصیل کودک است. به نظر نمایندگان دولت‌ها در سازمان بین‌المللی کار هر فعالیتی که بر روی حق تحصیل کودک تاثیر گذار باشد کار کودک محسوب

طبق تصریح کنوانسیون حقوق کودک، کودکان کار غیر ایرانی نیز باید بدون هرگونه تبعیضی، حمایت شوند

۸۴ همین قانون، استثناء دیگری را بر اصل فوق انشا کرده است. این ماده مقرر می‌دارد چنانچه ماهیت کار برای سلامت یا اخلاق کارگر زبان‌آور باشد حداقل سن برای نیروی کار باید ۱۸ سال باشد.

در میان اسناد بین‌المللی مرتبط با کار کودکان می‌توان به مقاله نامه شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد. هرچند ایران به مقاله نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار که حداقل سن اشتغال را تعیین نموده است ملحق نشده، اما ملاحظه می‌شود مقررره بند ۳ ماده ۲ مقاله نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار، که حداقل سن برای اشتغال را ۱۵ سال اعلام نموده و مفاد بند ۱ ماده ۳ مقاله نامه صدرالذکر که شرط اشتغال در مشاغل زیانبار را ۱۸ سال ذکر کرده، در مواد ۷۹ و ۸۴ قانون کار ایران لحاظ شده است. با این حال اشتغال به کارهای سبک هم طبق قوانین کار ایران و هم مفاد ماده ۷ مقاله نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار مجاز دانسته شده است. بر این اساس

به عنوان علامت ممیزه شمول برخی حقوق و تکالیف اشاره شده است. به عنوان مثال در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو ۱۹۴۹، سن استخدام افراد در مخاصمات مسلحانه نباید کمتر از ۱۵ سال باشد. به عبارتی شرکت مستقیم افراد زیر ۱۵ سال در درگیری‌های مسلحانه ممنوع شده و این افراد کودک محسوب شده‌اند.

اما با توجه به اینکه کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک اصلی‌ترین منبع بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان به شمار می‌رود و جهت بررسی شاخصه کودکی به این سند رجوع می‌شود. هرچند پیش از تصویب کنوانسیون مزبور اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند دو ماده ۲۵ به صورت مستقیم و سایر مواد به طور غیرمستقیم حقوق کودک را اجمالاً، مورد بررسی قرار داده بود و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که یک سند الزام‌آور بین‌المللی است نیز در ماده ۲۴ با تفصیل بیشتری در سه بند به حقوق کودکان پرداخت و ضمن تاکید بر اصل عدم تبعیض در مورد کودکان حق حمایت شدن کودک در سه حوزه خانواده،





اصل ۳ قانون اساسی حق دسترسی به آموزش پرورش رایگان و اجباری را برای کودکان در نظر گرفته است. همچنین بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی، کار اجباری را منع نموده است. علاوه بر آنکه تكدی‌گری در ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است اجبار به کارهای ضداخلاقی و تكدی‌گری در بند ۴ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی از مصادیق عدم مواظبت والدین یا سرپرست کودک ذکر شده است.

مداخله و یا حمایت دولت‌ها در احقاق حقوق کودکان به چه صورتی امکان‌پذیر است؟

به حکایت مفاد مواد کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌های عضو علاوه بر محترم شمردن حقوق مندرج در کنوانسیون وظیفه تقنینی نیز دارند؛ به نحوی که ضمن اصلاح قوانین و مقررات داخلی خویش علاوه بر اجرای این حقوق می‌بایست اجرای این حقوق توسط افراد جامعه را نیز تضمین نمایند. دفاع از افراد در قبال نقض این حقوق وظیفه دیگر حاکمیت‌ها است که وظیفه نظارتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد.

به عبارتی وفق ماده ۴ کنوانسیون دولت‌های عضو بر اساس امکانات و منابعی که در اختیار دارند موظف به ایجاد سازوکار لازم جهت احقاق این حقوق هستند. در تمامی اقدامات متصوره وفق ماده ۳۹ کنوانسیون دولت‌ها موظفند با حفظ کرامت، سلامت، اتکا به نفس و احترام به کودک، به وظایف خویش جامعه عمل ببوشانند. تنها محدودیت‌های قابل تصور در این رابطه محدودیت‌های قانونی و بر اساس اصل ضرورت است. حفظ نظم عمومی، امنیت ملی و آزادی‌های اساسی دیگران نیز از عوامل تحدیدی به حساب می‌آیند. با این حال وفق ماده ۳ کنوانسیون، اهم ملاحظات دولت‌ها حفظ منافع عالیه کودک و تضمین رفاه کودک است. به عبارتی کلیه اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی دولت‌های عضو باید با رعایت مصلحت و غبطه کودک و با تضمین رفاه کودک باشد.

آیا این اقدامات حمایتی و تعهدات دولت‌ها صرفاً ناظر بر کودکان تحت تابعیت دولت است؟

برخی رسانه‌ها و منابع دولتی معتقدند قسمت اعظم کودکان کار، به ویژه کودکانی که در معابر کلان‌شهرها مشغول فروختن گل، فال و یا تكدی‌گری هستند، غیرایرانی بوده و از کشورهای مجاور آمده‌اند. به فرض صحت چنین فرضیه‌ایی وفق بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، احقاق حقوق کودکان حتی در مورد کودکان آواره لازم الاجراست. نه تنها لازم الاجراست بلکه وفق ماده ۲ کنوانسیون مزبور بدون هرگونه تبعیض باید مورد حمایت قرار گیرد.

آموزش و پرورش نیز به روشنی در تضاد با کار کودک هستند. فلسفه حق امنیت و تامین اجتماعی بی‌نیاز کردن کودکان از کار است. همانطور که در تعریف کار کودک از منظر سازمان بین‌المللی کار ذکر شد، فعالیتی کار کودک محسوب می‌شود که با تحصیل کودک در تناقض باشد، چه موجب ترک تحصیلش شود چه اینکه همزمان با تحصیل باشد.

تعیین حداقل سن ۱۵ سال برای کار کردن نیز مرتبط با بهره‌مندی کودک از حق تحصیلات ابتدایی است که وفق ماده ۲۸ کنوانسیون کودک اجباری و رایگان است. از طرفی طبق ماده ۳۱ وظیفه حاکمیت تضمین اعمال و اجرای حق تفریح، آرامش، بازی و مشارکت در فعالیتهای فرهنگی هنری کودک است. به حکایت آمار غیر رسمی موجود، بکارگیری کودکان در تولید، قاچاق و فروش مواد مخدر و مواد محرک در پوشش فروش فال و تمیز کردن خودروها در معابر امری انکارناپذیر است که این امر در تضاد کامل با تعهد دولت‌ها وفق ماده ۳۳ کنوانسیون کودک است. همچنین میتوان به ماده ۳۶ کنوانسیون جهت مبنای ممنوعیت کار کودک اشاره کرد. این ماده اشعار می‌دارد دولت‌های عضو متعهد هستند با کلیه اشکال استثمار کودک که رفاه کودک را به مخاطره می‌اندازد، مقابله نمایند. ممنوعیت کارکردن کودکان نه تنها تعهد دولت‌ها بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک است بلکه در حقوق داخلی نیز مقررات زیادی در این خصوص وجود دارد.

احترام، بردباری، آزادی، برابری و اتحاد تجلی پیدا می‌کند. بنابراین کودکان کار زمانی که نیاز به مراقبت دارند به جای رشد و تعالی در محیط سرشار از خوشبختی و بودن در کنار خانواده باید در محیط زمخت کار ادامه حیات دهد. به جای بهره‌مندی از حق تحصیل مورد خشونت‌های محیط کار قرار خواهند گرفت، به جای تحقق حق تفریح و فراغت بعضاً مورد استثمار اقتصادی قرار خواهند گرفت. بر همین مبنا دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک تعهداتی را پذیرفته‌اند که این تعهدات با کار کردن کودکان در تضاد است. از جمله تعهدات دولت‌های عضو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

وفق ماده ۱۹ کنوانسیون مزبور دولت‌ها متعهد به حمایت از کودک در قبال اشکال مختلف خشونت هستند و چه بسیار کودکانی که در محیط کار مورد خشونت اعم از خشونت جسمی و جنسی و روحی قرار می‌گیرند. در ماده ۲۰ دولت‌ها متعهد شده‌اند اقداماتی را در جهت رفع محرومیت کودکان از بودن با خانواده به انجام برسانند. بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای بهداشتی از دیگر حقوق کودکان است که در ماده ۲۴ کنوانسیون بدان اشاره شده است و مسلماً کار کردن کودکان دسترسی به این حق را معطل خواهد گذاشت.

حقوق مندرج در مواد ۲۶-۲۷ و ۲۸ کنوانسیون، مشتمل بر حق امنیت اجتماعی، حق بهره‌مندی از استانداردهای زندگی جهت توسعه جسمی ذهنی روحی اخلاقی و اجتماعی و نیز حق بر

می‌شود. اعم از اینکه موجب ترک تحصیل شود یا اینکه کودک همزمان با تحصیل به فعالیت بپردازد. به طور خلاصه معیار تشخیص کار کودک را می‌توان در سن نیروی کار، ساعت کار و نوع فعالیت وی دانست.

فارغ از مباحث انسانی مبنای حقوقی ممنوعیت کار کودکان چیست؟

مطابق مقدمه مندرج در کنوانسیون حقوق کودک دوران کودکی مستلزم مراقبت‌ها و مساعدت‌های ویژه است. توجه به این مراقبت‌ها است که زمینه‌ساز آزادی، عدالت و صلح در جهان خواهد شد. این مساعدت‌ها که جزء حقوق لاینفک انسانی است باید بدون تبعیض در خصوص تمامی کودکان اعمال شود. برخی از این مراقبت‌ها و مساعدت‌ها در مواد مختلف این کنوانسیون بروز یافته است. از طرفی قسمت عمده این مراقبت‌ها در محیط خانواده ظهور پیدا می‌کند.

همانطور که در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز به درستی بدان اشاره شده خانواده رکن اساسی جامعه است. خانواده مورد نظر که در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک از آن یاد شده فضایی مملو از خوشبختی، تفاهم و محبت است که زمینه رشد کامل و متعادل شخصیتی کودک را فراهم می‌آورد. در چنین خانواده‌ای ایده‌آل‌های منشور ملل متحد شامل صلح،

حمایت قانونی از کودکان، جزء حقوق لاینفک انسانی است

اگر مسیرتان به کلان‌شهرهای ایران افتاده باشد و یا ساکن یکی از شهرهای بزرگ این کشور باشید، حتماً با کودکانی روبه‌رو شده‌اید که در هر گوشه‌ای از میدین و چهار راه‌ها و پشت چراغ قرمزها، با التماس از شما می‌خواهند به آنها کمک کنید؛ کودکانی که با ظاهری ملتسانه می‌خواهند که از آنها کالاهایی همچون گل و آدامس و ... بخرید، بعضی‌ها هم در ازای پاک کردن شیشه اتومبیل‌تان و یا دود کردن اسپند برای شما، تقاضای پول می‌کنند.

برخی رسانه‌ها و منابع دولتی معتقدند، کودکانی که در چهار راه‌های کلان‌شهرها مشغول فروختن گل، فال و یا گدایی هستند، غیرایرانی‌اند و از کشورهای مجاور آمده‌اند. جدا از صحت و سقم چنین گفته‌ای، باز هم دولت ایران بنا بر کنوانسیون‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی که به آن پیوسته، در قبال چنین کودکانی مسئول است.

مجله «حقوق ما» در رابطه با موضوع کودکان کار و مسوولیت دولت در قبال پدیده کار کودکان، با **محمدجواد مطهری‌فر، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل** در دانشگاه تهران گفت‌وگویی انجام داده که مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر

است. **با توجه به این‌که سن قانونی در ایران در برخی موارد، مانند گرفتن گواهی‌نامه، ۱۸ سال است اما سن قبول مسوولیت کیفری در مواردی دیگر، سن شرعی ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران است، تعریف سن کار کودک چه می‌شود؟ به چه فردی کودک کار می‌گوییم؟**

در خصوص این سوال باید گویم، ما در واقع برای تعیین سن کودک کار در ایران، به دو نکته باید توجه داشته باشیم. اول اینکه کودک را و دوم اینکه نیروی کار را تعریف کنیم، برای تعریف هر کدام از این دو مورد نیز باید هم به حقوق داخلی ایران و هم به اسناد بین‌المللی اشاره کنیم.

در خصوص تعریف کودک در قوانین داخلی ایران تعاریف مختلفی بر اساس مقتضیات و فراخور موضوعی که می‌خواهیم در موردش صحبت کنیم، وجود دارد. اگر ما موضوع و مباحث مالی کودک را در نظر بگیریم، طبق قانون رشد متعاملین، واحد رشد متعاملین در ایران، سن کودک را افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته و افراد بالای ۱۸ سال را دارای قدرت اداره مالی

خودشان تعریف کرده است.

وقتی بحث استخدام در نیروهای نظامی مطرح می‌شود سن کودک در حقوق داخلی افراد زیر ۱۵ سال هستند. وقتی موضوع انتخابات و اخذ گواهی‌نامه مطرح می‌شود، سن کودک افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. وقتی بحث مسوولیت کیفری مطرح می‌شود در حقوق داخلی، برای پسرها پانزده سال قمری و برای دختران سن نه سال قمری لحاظ شده است. وقتی مبحث ازدواج و بحث نکاح مطرح می‌شود، سن کودک در قانون مدنی ایران، در آنجا هم تعریف بخصوصی برای خودش را دارد.

اما در اسناد بین‌المللی اگر بخواهیم کودک را بررسی بکنیم، مهمترین سندی که به سن کودک اشاره کرده، کنوانسیون حقوق کودک است که در ماده یک کودک را تعریف کرده و گفته همه افراد انسانی که زیر ۱۸ سال هستند، کودک محسوب می‌شوند.

اما اگر بخواهیم نیروی کار را بررسی کنیم، باز هم باید در حقوق داخلی و در اسناد بین‌المللی ببینیم که نیروی کار به چه اشخاصی از جامعه گفته می‌شود. بعد از اینکه کودک و نیروی کار را شناختیم، به این نکته برسیم که کودک کار چه کسی است؟

من اطلاعاتی در خصوص حقوق داخلی ایران در مبحث تعریف نیروی کار ندارم، اما در اسناد بین‌المللی می‌توانیم به تعریفی که سازمان بین‌المللی کار داشته، رجوع بکنیم. سازمان بین‌المللی کار می‌گوید هر فعالیتی که از نظر ذهنی، جسمی، اخلاقی یا اجتماعی برای کودکان خطرناک و زیان‌بار باشد و کودکان را به ترک تحصیل زود هنگام وادار یا تحصیل کودک را تحت تاثیر قرار بدهد، کار کودک محسوب می‌شود. بنابراین، اولاً در اسناد بین‌المللی، سنی برای کودک در نظر گرفته شده و گفته شده که اگر فردی در این سن، هر کاری که انجام دهد، آن کار، کار کودک محسوب می‌شود. از طرفی هم ویژگی‌هایی برای آن کار لحاظ کرده است.

پس اگر من بخواهم یک جواب صریح و روشنی به سوال شما بدهم که سن کودک کار چی هست و به چه کودکی، کودک کار گفته می‌شود، باید بگویم بر اساس حقوق داخلی ایران، کودک تعاریف متفاوتی دارد، اما فصل مشترک و آن حداقلی که مطمئناً ما خواهیم داشت، این است که افراد زیر

پانزده سال برای پسران و زیر نه سال برای دختران، قطعاً دیگر کودک محسوب می‌شوند، چرا این سنین دیگر حداقل حد مسوولیت کیفری است. اما طبق اسناد بین‌المللی برای زیر هیجده سال کودک محسوب می‌شوند. این تعریف کودک است.

کار کودک را هم قبلاً توضیح دادم، یعنی کاری که در تعارض با حق کودک و همچنین در تعارض باشد با سن کودک. قطعاً اگر کودک کار را بخواهیم تعریف کنیم، باید به تعریفی که سازمان بین‌المللی کار ارائه کرده، رجوع بکنیم.

از طرفی طبق کنوانسیون حقوق کودک و خصوصاً ماده ۳ که البته در جای‌جای این کنوانسیون به آن اشاره شده، مهمترین ملاحظه‌ای که ما در مورد کودک داریم، بحث منافع کودک است، و بعد از آن بحث رفاه کودک است، بنابراین هر کجا هدف اصلی و غایت اصلی ما که رفاه و منافع کودک است، به واسطه فعالیت اقتصادی کودک، به مخاطره بیفتد، می‌توانیم از این جنبه هم به آن نگاه کنیم و آن را مغایر با حقوق کودک بدانیم.

از یک دیدگاه دیگر، باز دوباره در خصوص کنوانسیون کودک، می‌توانیم به این اشاره بکنیم که در کنوانسیون کودک، حقوق مختلفی را برای یک کودک در نظر گرفته است، از جمله حق بقاء، حق پیشرفت، حق زندگی، حق تابعیت، حق شناسایی والدین، حق به سرپرستی گرفتن کودکان، حق هویت و زندگی همراه با والدین، مبارزه با قاچاق کودکان، ابراز عقیده، حق شرکت در دادرسی منصفانه، آزادی ابراز عقیده، حق شرکت در تشکیلات اجتماعی، حق دسترسی به اطلاعات، حق بودن در معیت خانواده، حق جلوگیری و ممانعت از خشونت نسبت به کودک، حق محرومیت کودک از محیط خانواده، حق پناهندگی کودک.

همچنین بخش‌هایی هم در مورد کودکان معلول هست. مهمترین حق، حق بهره‌مندی از استانداردهای بهداشتی و حق سلامت، حق امنیت اجتماعی منجمله حق تامین اجتماعی که در ماده ۲۶ آمده، حق بهره‌مندی از استانداردهای یک زندگی، حق آموزش و پرورش، حق کودکان اقلیت، حق تفریح و بازی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری که در ماده ۲۱ آمده، حق حمایت در مقابل استثمار اقتصادی و کار زیان‌بار و توقف در آموزش، براساس این حقوقی که در کنوانسیون آمده،

که تدابیری، هم از جهت ملی و هم از جهت بین‌المللی برای مقابله با ربوده شدن، فروش و قاچاق کودکان اتخاذ کنند.

در ماده ۳۶ هم یک وظیفه دیگر دولت را تعریف کرده، تحت عنوان مقابله با کلیه اشکال استثمار، به نحوی که رفاه کودک را به مخاطره بیندازد.

همچنین ما بند دو ماده هفت کنوانسیون حقوق کودک را هم داریم که در این ماده آمده است، هر کودک از یک سری حقوق همانند حق داشتن نام، تابعیت، والدین و... بهره‌مند است، در بند ۲ این ماده آمده است، این حقوق حتی در مورد کودکان آواره هم قابل تسری است.

خوب ما از بند دوم ماده هفت کنوانسیون حقوق کودک می‌توانیم استنباط کنیم که این حقوق کودک همانطور که در ماده دوم آمده بدون تبعیض باید در مورد تمام کودکان اعمال بشود، حتی کودکانی که آواره هستند و در یک کشوری به عنوان پناهنده شناخته شده‌اند، این حقوق از جمله حقوقی است که صرف افراد ساکن در یک محدوده صلاحیت سرزمینی، لحاظ نمی‌شود.

همه کودکان فارغ از جنسیت، مذهب، زبان و همه علائم ممیزه، افراد از این حقوق بهره‌مند هستند، همانطور که در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک آمده، این حقوق، حقوق لاینفک انسانی هستند و باید بدون تبعیض اعمال شوند. این حقوق، حقوقی هستند که زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان هستند.

همانطور که گفتیم در بند دوم ماده هفت هم آمده که این حقوق در مورد کودکان آواره هم لحاظ می‌شود، بنابراین اگر همچین چیزی، یعنی استفاده از کودکان خریداری شده برای تکدی‌گری و... وجود داشته باشد، که البته هست، طبق بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، قطعاً دولت وظیفه حمایتی دارد، علاوه بر اینکه در ماده ۳۵ هم اشاره شده که دولت‌ها وظیفه دارند در مقابل ربوده شدن و فروش و قاچاق کودکان اقدامی بکنند.

یکی از وظایف دولت‌ها در این رابطه، وظیفه تقنینی است. دولت‌ها باید در قوانین داخلی‌شان این موضوع را لحاظ و حد و حدود و جرایم این موضوع را روشن و مجازات‌هایش را مشخص کنند.



تعریف حداقل سن کار، ساعت کار و شرایط کار شده است و خواستار این شده که مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی برای کسانی که از این مقررات سرپیچی می‌کنند، در نظر گرفته شود.

برخی گزارش‌های غیررسمی، حکایت از خرید و فروش سازمان یافته، کودکانی دارد که برای تکدی‌گری و فال فروشی و حتی در مواردی جمع‌آوری ضایعات از آنها استفاده می‌شود، وظیفه دولت و قوه قضائیه در خصوص این موضوع چیست؟

در کنوانسیون حقوق کودک، در ماده ۳۵ دقیقاً به این موضوع اشاره شده، در این ماده آمده است که دولت‌ها موظف هستند

در ماده ۳۲ پیمان جهانی حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی هم آن را به رسمیت شناخته، آمده است که کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند حمایت شود و کشورها باید در این راستا قوانینی تصویب کنند. آیا در قوانین داخلی ایران این موارد لحاظ شده‌اند؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم که در این ماده یکی دیگر از حقوق کودک را مطرح کرده که آن هم حق کودک در مقابل استثمار اقتصادی است. کار زیان‌بار، توقف در امر آموزش و یا هر کاری که برای بهداشت و پیشرفت کودک مضر باشد، و از طرفی دیگر در همین ماده ۳۲ پیمان جهانی کودک، وظیفه دولت‌ها در جهت تامین این حق را تعریف کرده و خواهان

وقتی کار کودک هر اقدامی که کودک بخواهد انجام دهد و این حقوق را تحت تاثیر قرار بدهد، می‌توانیم نسبت به این کاری که باعث از بین رفتن این حقوق شده، ما باید قاعدتاً عکس‌العمل نشان دهیم.

همانطور که عرض کردم در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، کودک در مقابل استثمار اقتصادی و کار زیان‌بار و توقف در امر آموزش و هر اقدامی که مضر برای بهداشت و پیشرفت کودک باشد، حقی دارد و دولت‌ها وظیفه دارند که از کودک حمایت کنند.

وقتی کودکی مشغول به کار است، در واقع این کودک از حق تحصیل و بهره‌مندی از آموزش و بهره‌مندی از اوقات فراغتش محروم شده است. وقتی کودکی کار می‌کند، در واقع از بودن در کنار خانواده محروم می‌شود، وقتی کودکی کار می‌کند، گاه ممکن است تحت استثمار جنسی قرار بگیرد، وقتی کودکی کار می‌کند، ممکن است در معرض استفاده از مواد مخدر قرار بگیرد و این دقیقاً حقی است که در ماده ۳۳ کنوانسیون به آن اشاره شده، و آمده است که کودکان باید از استفاده از مواد مخدر یا مواد محرک در امان باشند و از کودکان در برابر استفاده از آنان در تولید و قاچاق مواد مخدر حمایت شود. در واقع این هم بخشی از آسیب‌هایی است که یک کودک کار می‌تواند در معرض آن قرار بگیرد.

برای اینکه این سوال شما را بتوانم جمع‌بندی بکنم این نکته را هم اشاره کنم که ما اگر بخواهیم کار کودک را تعریف کنیم، مولفه‌های گوناگونی را باید در نظر بگیریم، یکی از آن مولفه‌ها سن فردی است که به کار گرفته شده، دومی میزان ساعت کار و نوع کاری است که فرد انجام می‌دهد. بر اساس تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی که سازمان بین‌المللی کار داشته، کودکان کار، کودکانی هستند که به بدترین اشکال کار کودک را انجام می‌دهند، و یا در سنین پایین‌تر از حداقل سن قانونی کار، مشغول به کار هستند. البته ما کارهای سبک را هم داریم، کارهایی که خطرناک نیستند و توسط کودکان ۱۲ تا ۱۴ سال در بازه زمانی کمتر از ۱۴ ساعت در هفته انجام می‌گیرد، بنابراین حداقل سن مجاز برای انجام کارهای سبک، طبق تعریفی که سازمان بین‌المللی کار داشته، ۱۲ تا ۱۳ سال است.

ایران باید در قبال کودکان کار خارجی، مسولیت‌پذیر باشد

هویت برای کودکان، صدور کارت شناسایی و اجازه تحصیل در مدارس، که بخشی از تعهدات ایران است در مقابل کودکان کار، با سیاست‌های نافرجام ضربتی و سرکوبی، اقدام قابل توجه دیگری انجام ندادند.

برای بحث در مورد قوانین مربوط به کودکان کار و خیابان در ایران، «مجله حقوق ما» با منصور انصاری، وکیل دادگستری، مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن به شرح زیر است.

با توجه به این‌که سن قانونی در ایران در برخی موارد، مانند گرفتن گواهی‌نامه، ۱۸ سال است اما سن قبول مسولیت کیفری در مواردی دیگر، سن شرعی ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران است، تعریف سن کار کودک چه می‌شود؟ به چه فردی کودک کار می‌گوییم؟

حسب تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ میان دختران و پسران متفاوت است. لیکن به موجب ماده ۷۹ قانون کار، این موضوع درخصوص سن آغاز به کار یکسان است و به کار گرفتن افراد با سن کمتر از ۱۵ سال تمام شسمی ممنوع است. بنابراین به اشخاصی که کمتر از این مذکور به کار گمارده می‌شوند کودک کار اطلاق می‌گردد.

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۳ جهت پیشبرد سیاست جلوگیری از به‌کارگیری کودکان کار پیمانی را تحت عنوان کنوانسیون حداقل سن کار به تصویب رسانیده که حداقل سن استخدام را ۱۵ سال اعلام نموده است، به شرط آنکه آن کار برای سلامتی آنها مضر نبوده و با مدرسه رفتن آنها در تضاد نباشد.

در ماده ۳۲ پیمان جهانی حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی هم آن را به رسمیت شناخته، آمده است که کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند حمایت شود و کشورها باید در این راستا قوانینی تصویب

از دیرباز در جوامع مختلف، برای کارهای گوناگون از کودکان کم سن و سال استفاده می‌شده است. کمتر کارگاهی وجود داشته که کودکانی در آنجا مشغول کار و شاگردی نبوده باشند، کمتر خیابان و معبری وجود داشته که روزگاری محل فروش برخی کالاها توسط کودکان نبوده باشد.

اما با پیشرفت جوامع انسانی، قوانینی برای تأمین رفاه و سلامت جسمی و روحی کودکان وضع شد. در ماده ۳۲ پیمان جهانی کودک که در نوامبر ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسید و دولت ایران هم از متعاهدان آن است، آمده است که کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند، حمایت شود و دولت‌ها باید حداقل سن کار و شرایط کار کودکان را مشخص کنند.

با وجود وضع قوانین گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی، در رابطه با ممنوعیت استثمار کودکان، هنوز هم در برخی از نقاط دنیا کودکانی هستند که کارهای طاقت‌فرسا، علاوه بر اینکه جسم و روان آنها را در معرض خطر قرار داده، آنها را از تحصیل و آموزش نیز محروم کرده است.

وجود کودکان کار و استثمار آنها از سوی کارفرما و در برخی موارد، باندهای مافیایی که کودکان خریداری شده را وادار به تکدی‌گری و ... در میادین و معابر شلوغ شهرهای بزرگ می‌کنند، در ایران غیرقابل انکار است.

با وجود اینکه دولت ایران از سال ۱۳۷۳ پیمان نامه جهانی حقوق کودک را امضا کرد و تعهدات مربوط به کودکان کار و خیابانی را به صراحت پذیرفته است، اما شواهد نشان از آن دارد که دولت ایران تعهدات خود را اجرایی نکرده و در برخی موارد هم اقدام به بازداشت و صدور احکام زندان طولانی مدت برای فعالان حوزه کار کودک کرده است.

پس از اینکه پدیده کودکان کار در ایران با تلاش برخی سازمان‌های مردم‌نهاد و برخی از فعالین مدنی رسانه‌ای شد، قوه قضائیه با بازداشت فعالان این حیطه و دولت‌های مختلف به جای ایجاد حق



کنند. آیا در قوانین داخلی ایران این موارد لحاظ شده‌اند؟

در طول تاریخ همواره کودک به علت ویژگی‌های خاص جسمی و روحی در معرض سوءاستفاده‌های مختلف قرار گرفته است. کار کودک به علت مزایای منحصر به فرد آن، از جمله این سوء استفاده‌ها است.

استفاده از کار کودک رفته رفته به علت مزایای آن در اشکال مختلف، امر عادی تلقی شد. حمایت از کودکان کار ابتدا در سطح داخلی و در قوانینی چون قانون اساسی، قانون کار، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و... مقرر شد و سپس در اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ و مقاله نامه شماره ۱۸۲ در سال ۱۹۹۹ راه یافت.

در ماده ۲۶ پیمان جهانی کودک، آمده است که هر کودکی حق دارد از تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود. آیا تمام کودکان در ایران تحت پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی‌اند؟

با توجه به ماده ۷۹ قانون کار که به کارگماردن افراد زیر ۱۵ سال

ممنوع می‌باشد، بنابراین سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کودکان کار اقدامی مبذول نخواهد نمود.

برخی رسانه‌ها و منابع دولتی در رابطه با کودکان کار و به ویژه کودکانی که در چهار راه‌های کلان‌شهرها مشغول فروختن گل، فال و یا گدایی هستند، معتقدند که بیشتر آنها غیرایرانی هستند و از کشورهای مجاور آمده‌اند، آیا به فرض غیر ایرانی بودن این کودکان، دولت ایران در قبال این کودکان چه مسؤلیتی دارد؟

کرامت انسانی از آن جهت حائز اهمیت است که خود، پایه و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود. نه صرفاً به عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه مستلزم رعایت آن است.

در صورت عدم توجه به این اصل و التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد. حقوق عده‌ای که در مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر و با تفصیل بیشتر در میثاقین و سایر اسناد حقوق بشری آمده است، اساساً برگرفته از شناسایی اصل کرامت و شرافت انسانی و قائل بودن به وجود این کرامت برای همه انسان‌هاست، لذا با عنایت به پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، از طرف حکومت ایران در قبال کودکان کار خارجی مسولیت است.

برخی گزارش‌های غیررسمی، حکایت از خرید و فروش سازمان یافته، کودکانی دارد که برای تکدی‌گری و فال فروشی و حتی در مواردی جمع‌آوری ضایعات از آنها استفاده می‌شود، وظیفه دولت و قوه قضائیه در خصوص این موضوع چیست؟

نخستین مطلبی که پس از شنیدن این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد، برده‌داری و حکایت‌های مربوط به آن است که ظاهراً به تاریخ پیوسته است، لیکن واقعیت آن است که حسب اظهارات مقامات بهزیستی ایران، خرید و فروش کودکان کار در ایران افزایش چشمگیری داشته است. اما با عنایت به حقوق مربوطه در خصوص کودکان، هرچند قواعد خاصی در این خصوص در قوانین ایران وجود ندارد، اما چنین موضوعی در حکم قاچاق محسوب شده و خریدار و فروشنده محکوم به مجازات خواهند شد.

وظیفه دولت و قوه قضائیه تسریع در تنظیم لوایح تا اتخاذ و اجرایی شدن قانونی خاص در این موضوع است، تا نسبت به به تعریف مجازات این گونه اعمال، اقدام شایسته صورت پذیرد.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net

